

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح دعای ابوحمزه ثمالی از آیت الله جوادی آملی دامت برکاته (قسمت دوازدهم)

اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَعْصِيْكَ وَ اَلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهٖ وَ خَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ . اَللهي! اِنِّيْ كَلَمًا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ وَ قُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ اَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاسًا

گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

اُدْعُونِيْ اَسْتَجِبْ لَكُمْ (۱)

تا انسان از تبهکاری‌ها توبه نکند، شرائط قرب خدا را پیدا نمی‌کند. وقتی به خدا نزدیک نشد، صدای او هم به سمع فرشتگان نمی‌رسد. آنها افرادی که دوراند، مورد عنایت خود قرار نمی‌دهند. لذا امام سجاد سلام الله علیه در دعای ابوحمزه ثمالی عرض می‌کند:

اَللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَعْصِيْكَ وَ اَلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهٖ وَ خَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

اگر لطف الهی شامل حال انسان بشود و اگر خدا خیر را معرفتاً و عملاً به انسان الهام بکند و خشیت الهی نصیب انسان بشود در شبانه روز، دیگر بیگانه‌ای نمی‌هراسد و دست به تباهی دراز نمی‌کند. و در صحیفه سجادیّه آمده است که: ای کسی را لا تَنْقَطِعْ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِيْنَ. (۲) در تمام لحظات، تمام اشیاء به خدا محتاج اند. هیچ لحظه‌ای نیازِ نیازمند قطع نمی‌شود. از طرفی هم یا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ. (۳) پروردگارا! ای کسی که هر چه سؤال بکنند و تو ببخشی، این مسألت‌های سائلان و نیازمندان خزینہات را تهی نمی‌کند. خوب؛ پس از این سوی دائماً سؤال، از آن سوی دائماً پاسخ مثبت! نه سؤال از این طرف قطع می‌شود، نه پاسخ از آن طرف قطع می‌شود، نه خزینہ تهی می‌شود.

اگر لطف الهی شامل حال انسان بشود و اگر خدا خیر را معرفتاً و عملاً به انسان الهام بکند و خشیت الهی نصیب انسان بشود در شبانه روز، دیگر بیگانه‌ای نمی‌هراسد و دست به تباهی دراز نمی‌کند. محصول این حرف‌ها را آیه نورانی سوره الرحمن در بردارد که: **يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۴)**، **كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ**. چون هر لحظه سؤال است، هر لحظه او پاسخ مثبت می‌دهد. پروردگارا! هیچ کسی از تو بی‌نیاز نیست. پس این توبه‌ای و اِثَابِی که فیض و فوز توست نصیب ما بفرما! تا ما در تمام شبانه روز در کنار سفره نعمت تو باشیم، چنین که هستیم. بیگانه‌ای را نبینیم، چنین که نباید ببینیم. در حالی که ما در تمام عبادت‌ها؛ چه نماز، چه غیر نماز آن حضور قلب را نداریم. این دعای نورانی ابوحمزه ثمالی این مسئله را هم به صورت باز و عقلی تحلیل می‌کند. همه ما به این مشکل روبرو هستیم،

شاید اُوحدی از انسان‌ها مستثنی باشند که در نماز حضور قلب نداریم . وقتی وارد نماز شدیم، در طلّیعه نماز ممکن است با حضور و نیت وارد بشویم، ولی باز حواس مان جمع نیست، پراکنده است. این نماز که ستون دین است، پراکنده انجام می‌شود. آن وقت دینی که ستونش پراکنده باشد، محصولش هم پراکندگی خواهد بود. اگر چنانچه ستون پراکنده باشد، مستقیم و استوار نباشد، آن خیمه هم مستقیم و استوار نیست.

ما چه کنیم که در نماز مشکل غفلت نداشته باشیم، یک تمرکزی داشته باشیم؛ وجود مبارک امام سجاد طبق این تحلیل می‌فرماید که انسان بیرون نماز را باید مواظب باشد، نه درون نماز . درون نماز یک چهار پنج دقیقه بیش نیست. اگر کسی درون نماز بخواهد در تمام این چهار پنج دقیقه خودش را کنترل بکند، شاید خیلی سخت نباشد، ولی عمده بیرون نماز است. به بیرون نماز اگر حالاتی، احوالی، گفته‌هایی، رفته‌هایی، نوشته‌هایی و مانند آن داشت و انجام داد، همه این خاطرات می‌ریزد در صحنه نفس انسان . آنگاه همه اینها در حالت نماز ظهور پیدا می‌کند.

وقتی وارد نماز شدیم، در طلّیعه نماز ممکن است با حضور و نیت وارد بشویم، ولی باز حواس مان جمع نیست، پراکنده است. این نماز که ستون دین است، پراکنده انجام می‌شود. آن وقت دینی که ستونش پراکنده باشد، محصولش هم پراکندگی خواهد بود. اگر چنانچه ستون پراکنده باشد، مستقیم و استوار نباشد، آن خیمه هم مستقیم و استوار نیست.

مثلاً اگر کسی کتابخانه‌ای داشته باشد و در کتابخانه به کوی و برزن باز باشد، بچه‌ها و خردسالان گذر از این در باز استفاده کنند، وارد کتابخانه بشوند، شخصی محقق بیاید و در کتابخانه را ببندد و بخواهد مطالعه کند، بگوید: من یک ساعتی که در این کتابخانه نشسته‌ام، باید آرام باشم ، این کار را صحیح انجام نداد. برای این که در غیر وقت مطالعه در باز گذاشت، همه بچه‌ها ریختند در کتابخانه، در سالن مطالعه. آنگاه در آن یک ساعتی که محقق می‌آید و می‌نشیند، می‌خواهد مطالعه کند، این سالن کتابخانه پر از بچه‌ها و سر و صدا است. قبل از این که این محقق بیاید در کنار میز مطالعه‌اش بنشیند، باید در را ببندد که بیگانه‌ها و بچه‌های خردسال نیایند.

این مجاری ادراکی و تحریکی ما نباید به روی بیگانگان باز باشد که آنها هر چه خواستند از راه درک و حرکت ما وارد نفس و ذهن و قلب ما بکنند، آنگاه ما در حال نماز بخواهیم مطمئن باشیم و حضور قلب داشته باشیم . این چنین نیست ! عمده بیرون نماز است. غذا خوردن‌ها، رفتن‌ها، نگاه کردن‌ها، گفتن‌ها، شنیدن‌ها، پوشیدنی‌ها، همه و همه اینها ادخلی مدخل صِدْق و آخرِ جِنِی مَخْرَج صِدْق (۵)، در آغاز و انجامش تک تک این گفتار و رفتار و نوشتار و مانند آن حضور و ظهور داشت، انسان خاطرات خوبی دارد. در نماز نه تنها مزاحمی ندارد، بلکه معین و معاونی هم خواهد داشت. ولی اگر در خارج نماز مواظب خود نبود، هر خاطره‌ای را به ذهن راه داد، هر غذایی را خورد، هر حرفی را زد، هر جائی را نگاه کرد، هر کسی را نگاه کرد، هر چیزی را هم دید، چنین آنبانی هرگز به انسان اجازه حضور و ظهور قلب نمی‌دهد. ملاحظه فرمودید که امام سجاد چگونه این مسئله عمیق را تحلیل می‌کند؛ عرض می‌کند:

*****الهی !إِنِّی کُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَ تَعَبَّأْتُ وَ قُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ نَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاساً*****

خدایا ! چه طور شد که هر وقت می‌خواستم مناجات کنم ، دعا کنم، دعای کمیل بخوانم، مناجات شعبانیه داشته باشم ، ذکر داشته باشم، نمازی داشته باشم، زیارت عاشورائی داشته باشم، حواسم جمع نیست؟! یا خوابم می‌آید، یا اگر خوابم نمی‌آید، حالت پیلگی و چُرت است، یا اگر اینها نیست، شادابم ، وقتم و نیرویم درباره خاطرات تلخ دیگر صرف می‌شود. آن لذّت

مناجات را از من می‌گیری، یا مناجات نمی‌کنم، یا مناجات بی‌محتوا دارم. چه طور شد خدایا، هر وقتی ما گفتیم سریره من صالح است و به محفل توّابین نزدیکم، یک ابتهالی، یک بلبه‌ای، یک آفت و آسیب و گزند می‌رسد که پای مرا می‌لغزاند و نمی‌گذارد که من به محفل نورانی آنها راه پیدا کنم.

پروردگارا! شاید تو مرا از درّ خانه‌ات راندی؛ شاید دیدی که من حقّ تو را سبک شمردم، تو مرا مطرود کردی؛ یا دیدی که من چون از تو اعراض کردم، با من عداوت داری؛ یا چون دیدی که من در مقام دروغ‌گویان هستم، مرا مورد بی‌مهری قرار دادی و ترک کردی؛ یا دیدی که نعمت‌های تو را شکر نمی‌کنم، مرا محروم کردی؛ یا دیدی که در مجالس علماء و اندیشوران حاضر نیستم، مرا طرد کردی؛ یعنی به جای این که در محافل علماء شرکت کنم، چیزی یاد بگیرم، در مجالس دیگران شرکت می‌کنم. یا دیدی در بین غافلین به سر بردم، از رحمت خاصّه من ناامید کردی؛ یا دیدی با مجلس‌های طنزگویان و بذله‌گویان و بطّالین که عمری را به بطالت می‌گذارند، آنجا صرف کردم، مرا مورد بی‌مهری قرار دادی؛ ببینی و ببینک خلیتتی؛ یا نه، اصلاً دوست نداری صدای مرا بشنوی؛ برای این که این حرف، این حنجره در غیر راه تو صرف شده است. دوست نداری چهره‌ام را در مجلس توّابین ببینی، برای این که در مجلس بطّالین دیدی. دوست نداری که مرا در مجلس پرهیزکاران ببینی، چون دیدی که من در مجلس علماء حضور ندارم، مرا دور کردی. شاید به جرم و جریرت مرا مکافات کردی، یا در اثر کم‌حیائی من مرا مجازات کردی؛ ببینید تمام این علل و عوامل؛ ترک واجب، فعل حرام، فکر فعل مکروه و مانند آن باعث می‌شود که انسان یا توفیق مناجات و نماز ندارد، یا اگر توفیقی پیدا کرد و یک مناجات و نمازی داشته باشد، نماز بی‌حال و بدون حضور انجام می‌دهد. امیدواریم توفیق حضور نصیب همه ما بشود.

پی نوشت ها:

۱- سوره غافر/ آیه ۶۰

۲- صحیفه سجادیّه/ دعای دوازدهم - وَ كَانَ دُعَاؤُهُ (ع) فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

۳- صحیفه سجادیّه/ دعای دوازدهم - وَ كَانَ دُعَاؤُهُ (ع) فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

۴- سوره الرّحمن/ آیه ۲۹

۵- سوره اسراء/ آیه ۸۰

منبع: تبیان

#صهباي_رمضان

#معاونت_فرهنگي_تربيتي_مرکز_آموزشهای_غیرحضورى

<http://vufarhangi.whc.ir>